

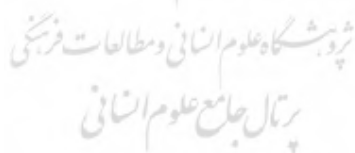
مقدمه‌ای بر در جستجوی زمان از دست رفته

جووانی ماکیا. ترجمه مهدی سبحانی

۱۷۳ در جستجوی زمان از دست رفته اثر سترگ یک انسان بیمار است. اثر نویسنده‌ای که برخی از تکان‌دهنده‌ترین صحنه‌های کتابش را به بیماری اختصاص داده است؛ که تصویرهایی بسیار سخت و آکنده از درماندگی از بیماران ترسیم می‌کند؛ که از بیماری‌ها با زبانی اساطیری اما همچنین فنی سخن می‌گوید، زبان کسی که خود می‌داند و از نزدیک حس کرده است که عادت و الفت به بیماری یعنی چه، و شهر عظیم تخلیش را با خلوص و با هزل از چهره‌های پزشکان، متخصصان خونسرد یا حسودی انباشته است که اسنوبی محافل اشرافی آنان را دوره می‌کند و از ستایش و ارج درخور «اهل علم» برخوردارند. اثر نویسنده‌ای است که پیوند ناگسستنی بیماری و مرگ را به چشم دیده، و با غایت مهربانی روزی را زیر نظر گرفته است که مرگ در تن بینوای رنجور کسی که دوست می‌داریم خانه می‌کند تا او را بکشد، که حضور مرگ را در لحظه‌ای دیده است که بیماری، تازگی شگرف محدودیت‌های برگشت‌ناپذیر را بر زندگی تحمیل می‌کند؛ آن چنان که مردن خود را نه در لحظه‌ای که آدم می‌میرد، بلکه ماه‌ها و گاهی سال‌ها پیش از آن می‌بینیم،

هنگامی که مرگ چون غریبه‌ای که می‌رود و می‌آید و شبی به نظر می‌رسد که برای همیشه رفته است اما فردایش بازمی‌گردد، با همه کراهِتش در خانه مان ماندگار می‌شود. اما مگر نه اینکه بسیاری از آثار نویسندگان مدرن، از روسو تا کافکا، آثار انسان‌هایی بیمارند؟ مگر نه این که در بسیاری از آنها، از برادران کارمازوف تا وجدان زنو، بیماری در ساختار اثر جا افتاده است و به صورت یکی از عناصر بیانی درمی‌آید؟ اما این رابطه شیرین و دهشتناک میان انسان و بیماری نزد پروست و ویژگی‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. بسیاری از نویسندگانی که به آنان اشاره شد موفق شده بودند علیرغم بیماری شان کار کنند و بیافرینند، با بیماری به عنوان نیروی منفی مبارزه کرده بودند که باید از سر راه کارشان برداشته می‌شد، بر آن غلبه می‌شد. اما پروست با بیماری کنار آمده و آن را حتی در سازماندهی زندگی آفرینشی‌اش دخالت داده است. کار او این نیست که در برابر بیماری از خود بپرسد: «چگونه باید از دست این خلاص شد، چگونه باید شفا یافت؟» کاری که هر بیماری در رویارویی با دشمن جاننش می‌کند. کار او این است که فکر شفا یافتن، امید شفا یافتن را از خود دور کند. وسوسه شفا آهنگ زندگی را به هم می‌زند، یک آهنگ ساختگی برای آن به وجود می‌آورد. پروست به جایی می‌رسد که می‌گوید پزشک، و گاهی در مورد برخی بیماری‌ها، جسورترین جراحان نیز ناگزیرند از خود بپرسند آیا صلاح هست که بیمار را از بیماری‌اش محروم کنند، او را از دست آن خلاص کنند، آیا عمل جراحی درباره او منطقی است؟ اگر در سازماندهی زندگی معنوی، بدن روح را چون زندانی در خود حبس می‌کند، باید کاری کرد که بیماری، به جای تنگ کردن افقی که شخص ناگزیر است در آن بسر برد، آن را به غایت پهناور کند. به همان گونه که بحران‌های جنون نروال نقطه آغاز و حتی ماده اصلی اثر او می‌شدند و به مفهوم پرورش اصالت ادبی ویژگی‌های آن اثر بودند، و هنرمند می‌توانست آن بحران‌ها را تا آنجا که جنون در حد بیان‌پذیری باقی می‌ماند توصیف کند (همانند کسی که، در حال خوابیدن، مراحل پایایی آگاهی‌اش را از بیداری تا خواب دنبال می‌کند تا لحظه‌ای که خواب او را درمی‌گیرد و پرداختن به آن حالت دوگانه هم خواب و هم بیداری غیرممکن می‌شود)، بحران‌های بیماری پروست نیز در درون ماهیت اثر او جا می‌گرفتند و به تعبیری می‌توان گفت که ادامه آن بودند، و او از آن بحران‌ها بیرون می‌جست تا دست به کار نوشتن شود.

پروست در سرتاسر زندگی نویسنده‌گی اش خانه، اتاق کار، جای کارش را به صورت یک کلینیک کوچک و در عین حال عظیم درمی‌آورد که در آن، کسی که عمل می‌کرد خود بیمار بود؛ کلینیک به عنوان یک جای امن، پناهگاهی که آدم هنگام کار کردن در آن ارزش شفا بخش، آرام کننده، و تقریباً دل‌داری دهنده‌ی عادت را درک کند، عادت‌ی که به ما امکان می‌دهد روحی را در چیزها بدمیم که برایمان آشنا و خودمانی است، و نه آنی را که ما را می‌ترساند. اما پروست چگونه به این درمان مطلق دست یافت؟ به گمان ما به تدریج و با پشت سر گذاشتن مراحل. و این پیشروی این سان دشوار به سوی اتاق امن بیماری، این استحاله‌ی خانه و تبدیلیش به کلینیک خاصی که بیمار در آن سازماندهی کار و زندگی اش را آغاز می‌کند، و همه‌ی کوششش نه برای این است که از دست بیماری رها شود (آن گونه که در یک بیمارستان معمولی می‌کنیم)، بلکه با همه‌ی توانی که در بدن دارد پایه‌های اثری را بنا کند که پنداری کلیسایی یا پرستشگاهی باستانی بر فراز یک جزیره است، موضوع این بررسی است، و باید از بسیاری دور آغاز کرد چه پروست نیز، هنگامی که به اندیشیدن درباره‌ی کتابش پرداخت، از بسیار دور جایی به راه افتاد. ♦♦



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

